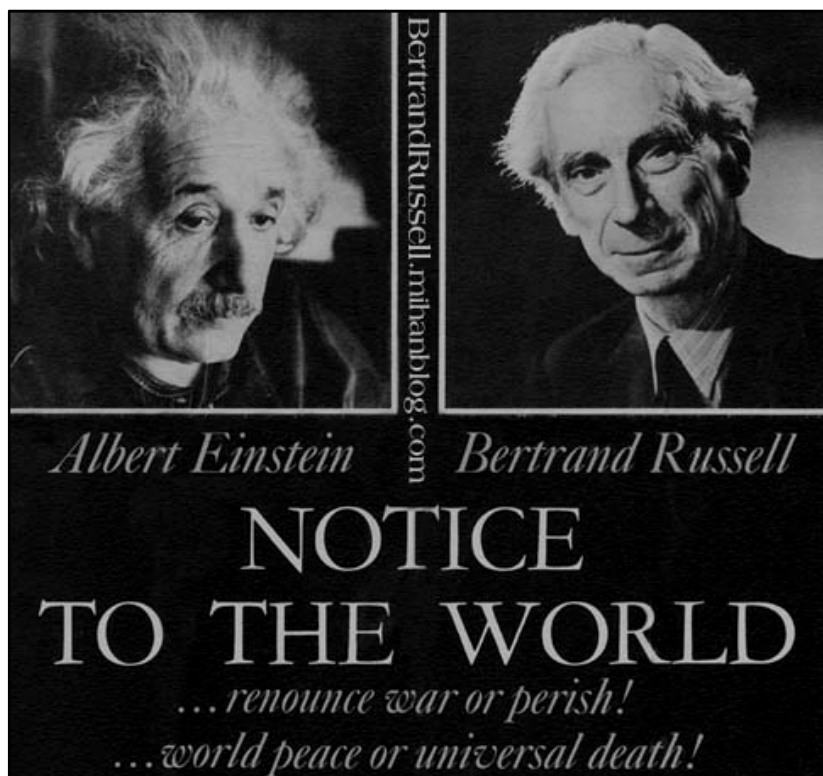


بیانیه راسل - اینشتین

اشاره:



بیانیه راسل - اینشتین یکی از مهم‌ترین بیانیه‌هایی است که دربارهٔ خطرات گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای ادامهٔ حیات انسان نگاشته شده است. بیانیه‌ای که پیش‌نویس آن توسط برتراند راسل، ریاضیدان و فیلسوف بزرگ و مشهور، تهیه شد و به امضای آلبرت اینشتین، دانشمند و فیزیکدان معروف، رسید.

پس از انهدام شهرهای ژاپن با استفاده از بمب‌های اتمی در آگوست ۱۹۴۵ راسل و اینشتین جهان را متوجه پیامدهای

دهشت بار این تسلیحات جدید نمودند. هرچند که در میانه سال ۱۹۵۰ و با آغاز جنگ سرد، جهان در موقعیت خطرناک‌تری قرار گرفت. موقعیتی که در آن هر دو طرف دعوا دارای بمب‌های هیدروژنی بودند. بمب‌هایی با قدرت تخریبی هزار بار بیشتر از بمب هیروشیما.

طرف‌های درگیر در جنگ سرد هیچگونه تردیدی در استفاده از این بمب‌ها در صورت هرگونه درگیری احتمالی به خود راه نمی‌دادند. رئیس‌جمهور آمریکا، آیزنهاور، در یک سخنرانی عمومی گفته بود: «ما از سلاح‌های هسته‌ای به همان سادگی که یک فشنگ را به کار می‌بریم، استفاده خواهیم کرد!» با توجه به این موقعیت حساس و خطرناک در یازدهم فوریه سال ۱۹۵۵ برتراند راسل نامه‌ای برای اینشتین نوشت و به وی پیشنهاد داد که دانشمندان بزرگ دنیا، کاری انسان دوستانه انجام داده و به حکومت‌ها و افکار عمومی جهان، خطرات فاجعه‌ای را که در شرف وقوع است، گوشزد نمایند. وی نوشت: ضروری است به همه فهمانده شود که جنگ هسته‌ای، نقطه پایانی بر حیات بشر بر روی زمین خواهد بود و همگی باید یاد بگیرند که منازعاتشان را به روش‌های صلح آمیز حل و فصل کنند.

اینشتین در پاسخ به نامه راسل نوشت که با کلمه به کلمه این نامه موافق است. وی افزود: «باید کاری انجام داد تا علاوه بر رهبران سیاسی، افکار عمومی دنیا نیز در این زمینه بیدار شوند.» بنابراین توافق، راسل پیش‌نویسی

تهیه کرد و آن را برای گروهی از دانشمندان شناخته شده‌ای فرستاد که امید داشت آن را به امضا برسانند. اما وی به این نتیجه رسید که این کار سخت‌تر از آن چیزی است که در ابتدا تصور می‌شد. در گفتمان حاکم بر جنگ سرد، برای بسیاری از دانشمندان بسیار دشوار بود که منافع سیاسی و نظامی کشور متبوع خود را قربانی خیر و صلاح جامعه بشری نمایند. در واقع نیز، دانشمندان اتحاد جماهیر شوروی و چین از امضای این نامه خودداری کردند. در این شرایط، اینشتین نیز پس از یک دوره کوتاه بیماری در سیزدهم آوریل درگذشت. اینشتین در واپسین اقدام خود پیش از مرگش، نامه‌ای برای راسل نوشت با این مضمون که وی نامه مزبور را امضا می‌کند. و سرانجام راسل نامه را با امضای ۹ دانشمند منتشر ساخت.

در نهم جولای ۱۹۵۵ در یک گردهمایی در لندن و با حضور چشمگیر خبرنگاران رسانه‌های عمومی راسل بیانیه‌ای را قرائت کرد که به بیانیه راسل- اینشتین مشهور شد.

«نظراتی که در این بیانیه از سوی ما اعلام می‌شود، نظرات عضوی از یک ملت، قاره، یا دین و مذهب خاص نیست. ما به نمایندگی از نوع بشر صحبت می‌کنیم... بشری که ادامه حیاتش بر روی این کره خاکی، با خطری جدی مواجه شده است.»

وی خاطر نشان ساخت:

«ما باید یاد بگیریم که به گونه‌ای دیگر بیندیشیم و با نگاه تازه‌ای به دنیای اطراف مان بنگریم. ما دیگر نباید به دنبال راه حل‌های نوین نظامی برای برتری بر گروه‌های دیگر باشیم. چرا که دیگر زمان چنین راه حل‌هایی به پایان رسیده است. سؤالی که اکنون باید از خود بپرسیم، این است که: باید چه کار کنیم تا به این رقابت روزافزون تسلیحاتی پایان دهیم. رقابتی که به نابودی تمامی طرف‌های دعوا منجر شده و برای همه فاجعه بار است... حال بر ماست که انتخاب کنیم. به راستی آیا باید مرگ را برگزینیم، تنها برای این که نمی‌توانیم از منازعاتمان چشم‌پوشیم؟ ما بایستی، در جایگاه یک انسان به قضاوت برخیزیم: تنها انسانیت را در نظر داشته باشیم و باقی چیزها را فراموش کنیم.»

بازتاب این بیانیه بر خلاف انتظارات بسیار مثبت بود. با وجود تردیدهای اولیه، خبرگزاری‌ها به نحو مطلوبی، این گردهمایی را پوشش دادند و تاثیر اخبار آن نیز در اثر جو احساسی پدید آمده به خاطر مرگ اینشتین بسیار مطلوب بود. در سراسر دنیا، دانشمندان و خبرگان ملت‌ها نیز دست به کار شدند. در میان آنها دانشمند اهل شوروی، آندری ساخاروف نیز بود که فعالیت‌های بشردوستانه‌ای را در جهت پایان دادن به جنگ سرد و جلوگیری از به کار بردن سلاح‌های هسته‌ای آغاز نمود. در بسیاری از کشورها مردم نیز دست به کار شدند و جنبش‌های ضد بمب به راه افتاد که از آن جمله می‌توان به انجمن ملی برای استفاده صلح آمیز انرژی هسته‌ای در آمریکا و جنبش خلع سلاح هسته‌ای در انگلستان اشاره کرد.

امضاکنندگان بیانیه راسل- اینشتین نقش اساسی در پایه گذاری این جنبش‌ها داشتند. با تلاش‌های ماکس بورن ۵۲ نفر از دانشمندانی که موفق به دریافت جایزه نوبل شده بودند، بیانیه‌ای را به امضا رساندند و در آن از ملت‌های دنیا خواستند که رویارویی نظامی را به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته و در غیر این صورت باید در انتظار یک فاجعه بزرگ و مرگبار باشند. بیانیه راسل- اینشتین بر روی سیاست‌گذاران نیز تاثیر زیادی داشت. تا حد زیادی تاثیر آن غیرمستقیم بوده و از سوی جنبش‌هایی که بر ضد سلاح‌های هسته‌ای شکل گرفته بود، ایجاد شد. با توجه به مخالفت شدید مردمی با آزمایش‌های هسته‌ای، آیزنهاور ناچار شد تا در سال ۱۹۵۸ این آزمایش‌ها را به حالت تعلیق درآورد. با ادامه مخالفت‌ها بر ضد آزمایش‌های هسته‌ای و تسلیحات اتمی، کندی نیز

از آزمایش‌های جوی هسته‌ای دست کشید و به عنوان نشانه‌ای برای خروشچف روس از بنیانگذار و رئیس انجمن ملی کاربرد صلح آمیز انرژی هسته‌ای آمریکا، نورمن کازینز تقدیر به عمل آورد.

ولی گاهی اوقات این تاثیر یک کاملاً مستقیم بود. میخائیل خروشچف به روشنی علاقه خود را به گفتمان «نگاه تازه» که در بیانیه مطرح شده بود، ابراز کرد. وی برای فرانسوا میتران نوشت: «قضیه دانش هسته‌ای نیاز به یک بازنگری همه جانبه دارد.» یا این که در کتابش با نام «پرسترویکا» نوشت: «همه ما باید یاد بگیریم که در صلح زندگی کنیم و حیات تازه‌ای را با نگاهی تازه به انسان آغاز نماییم.» وزیر خارجه گورباچف، ادوارد شوارنادزه نیز ابراز داشت که بیانیه راسل - اینشتین، افق تازه‌ای را به روی سیاستمداران عصر حاضر گشود و راه را به آنان نشان داد.

اکنون با گذشت سالها از تاریخ بیانیه راسل - اینشتین دانشمندان و اهل نظر باید به خاطر داشته باشند که در چنین دنیایی که مملو از سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی است، رویکرد به جنگ خطرناک ترین رویکردی است که کشورها می‌توانند در پیش بگیرند. باید همگی بدانند که دنیایی بدون سلاح‌های هسته‌ای، دنیایی امن‌تر و زیباتر خواهد بود. هرچند که هنوز رهبران کشورهای پیشرفته و متمدن (؟) جهان، از جمله آمریکا به تولید سلاح‌های هسته‌ای ادامه می‌دهند و با تجهیز سربازانشان به مرگبارترین و مخرب‌ترین اسلحه‌ها، دنیا را به سوی



جنگی هولناک به پیش می‌رانند. این یکی از تراژیک‌ترین و دردناک‌ترین واقعیت‌های عصر ماست که با این همه پیشرفت در زمینه‌های مختلف مانند دانش و فناوری و مسائل فرهنگی هنوز در برخی از کشورهای دنیا، کسانی زمام امور را در دست دارند که با تفکرات عقب افتاده و بینش محدود خود زندگی آینده انسان بر روی زمین برای آنان کوچکترین اهمیتی ندارد. ■

لندن - ۹ جولای ۱۹۵۵

موقعیتی که بشر امروز در آن گرفتار شده است، موقعیت بسیار حساسی است. در چنین موقعیتی ضروری است تا دانشمندانی که در این گردهمایی جمع شده‌اند، خطرات بزرگ گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را تبیین کرده و در مورد راه حل‌های پیشگیری از یک فاجعه بین‌المللی، به مباحثه پردازند. نظراتی که در این بیانیه از سوی ما اعلام می‌شود، نظرات عضوی از یک ملت، قاره، یا دین و مذهب خاص نیست. ما به نمایندگی از نوع بشر

صحبت می‌کنیم. بشری که ادامه حیاتش بر روی این کرهٔ خاکی، با خطری جدی مواجه شده است. جهان امروز مملو از منازعات سیاسی و مذهبی است، که شاید مهم‌ترین شان منازعه میان کمونیسم و ضدکمونیسم است. می‌توان گفت که هر شخصی در این دنیا اگر کمی درک سیاسی داشته باشد، در یکی از دو جبهه این منازعه جای می‌گیرد و یا دست کم، نسبت به یکی از این دو، احساس نزدیکی بیشتری می‌کند. اما ما در اینجا از شما می‌خواهیم که تمامی احساسات و تعصبات سیاسی را کنار گذاشته، و خود را عضوی از جامعه انسانی بدانید. انسان، به عنوان گونه‌ای از حیات که دارای تاریخ مدون و مشخص بوده، و هیچکدام از ما خواهان انقراض این گونه حیات بر روی زمین نیستیم. تلاش ما این است، تا این نکته را به اثبات برسانیم، که هیچ گروه و دسته‌ای به طور مطلق، برتر از دیگران نیست، و هیچ داوری، صلاحیت قضاوت میان طرف‌های این دعوی بزرگ را ندارد. ما خواهان طرفداری از یک دسته یا محکومیت دسته دیگر نیستیم. همه در خطر هستند و ما اگر بتوانیم در این برهه حساس زمانی این خطر را به خوبی درک کنیم، امید پیشگیری از آن را خواهیم داشت. هنوز افکار عمومی و کسانی که به نحوی سهمی در حاکمیت کشورها دارند، به پیامدهای وحشت آور درگیر شدن در یک جنگ هسته‌ای واقف نیستند. افکار عمومی تنها در همین حد می‌دانند که یک بمب اتمی قادر است شهری را نابود سازد. این واقعیت نیز در میان مردم پذیرفته شده است که قدرت تخریب بمب‌های جدید بیشتر از بمب‌های قدیمی است. مثلاً می‌دانند که اگر بمب اتمی توانسته است هیروشیما را با خاک یکسان کند، بمب هیدروژنی که جدیدتر است، قادر است تا بزرگترین شهرهای دنیا، مانند مسکو، لندن و نیویورک را نابود سازد. در این که بمب هیدروژنی شهرهای بزرگ را ویران می‌کند شکی نیست، ولی این تنها یکی از کارکردهای منفی و مخرب این بمب هاست. اگر همگی ساکنان شهرهای لندن و نیویورک و مسکو از بین بروند، زندگی در نقاط دیگر دنیا از حرکت بازخواهد ایستاد. همان‌طور که چنین اتفاقی طی قرون و اعصار گذشته، بارها رخ داده است و شهرهای نابود شده از نو پا گرفته‌اند. ما هم اکنون می‌دانیم که بمب‌های هسته‌ای سطحی تا چندین برابر منطقه‌ای را که ویران ساخته‌اند، تحت تاثیر قرار می‌دهند.

زمزمه‌هایی از برخی محافل قدرت به گوش رسیده است که ما توانایی آن را داریم تا بمبی بسازیم که ۲۵۰۰ بار قوی‌تر از بمب هیروشیما باشد. چنین بمبی در صورت انفجار مقادیر عظیم ذرات رادیواکتیو را در طبقات بالایی جو زمین منتشر خواهد ساخت. این ذرات، رفته رفته، متراکم شده و به صورت غبارهای مرگبار و باران‌های رادیواکتیوی به سطح زمین بازمی‌گردند. مانند همان ذراتی که ماهیگیران و ماهی‌های ژاپنی را آلوده ساخته است. هنوز کسی به درستی نمی‌داند که دامنه گسترش این ذرات مرگبار تا چه حدی است، ولی صاحب نظران همگی بر این نکته اتفاق نظر دارند که انفجار بمبی که از آن صحبت می‌شود، نقطه پایانی بر حیات بشری خواهد بود. آن هم نه یک پایان آبی و لحظه‌ای، بلکه یک نابودی تدریجی و با دردناک‌ترین بیماری‌ها و دهشت‌بارترین شکنجه‌ها برای نوع بشر. هرچند که دانشمندان و استراتژیست‌های نظامی تاکنون هشدارهای بسیاری را در این زمینه ابراز داشته‌اند، اما هیچیک از آنان نخواهد توانست عمق فاجعه را تخمین بزند. چیزی که دانشمندان بر آن متفق القول هستند، این است که تمامی این خطرات احتمال وقوع دارند و هیچ کس نمی‌تواند خود را از پیامدهای وخیم آن مصون بداند. تمامی کارشناسان با هر دیدگاه سیاسی و با هر نوع تعصبات قومی و مذهبی بر این اصل صحنه گذاشته‌اند. هر چقدر که شخصی، دانش بیشتری در این زمینه داشته باشد، افق تیره تری را پیش روی انسان می‌بیند.

پس در اینجا دو گزینه پیش روی ماست. این که بدون توجه به این هشدارها به راه خطرناکی که پیش گرفته‌ایم ادامه دهیم و بشریت را با خطر نابودی مواجه کنیم، یا این که چاره‌ای برای برون رفت از این بحران بیندیشیم و از یک جنگ هسته‌ای پیشگیری نماییم. پاسخ به این سؤال آسان نیست. چرا که جلوگیری از برخوردها و جنگ‌ها در دنیای امروز بسیار مشکل است. جلوگیری از جنگ مستلزم این است که قدرت برخی از کشورها را محدود کنیم که این امر برای آنان بسیار ناگوار بوده و به سادگی به آن تن در نخواهند داد. بسیاری از مردم به سختی می‌توانند درک کنند که خطر بزرگی نه تنها متوجه آنها، بلکه متوجه فرزندان و نوادگان آنهاست و این خطر تهدید بزرگی برای تمامی نسل‌هایی است که پس از ما خواهند زیست. خطری برای تک تک انسان‌ها و برای کسانی که دوستشان داریم. ممکن است برخی تصور کنند که ما می‌توانیم کشورها را مجبور کنیم که در جنگ از این سلاح‌ها استفاده نکنند و در نتیجه وقوع جنگ چندان خطری برای بشریت نخواهد داشت. اما این خیالی بیش نیست. ما هر چقدر که در زمان صلح بر روی عدم استفاده از بمب‌های هسته‌ای به توافق برسیم و پیمان‌های گوناگون در این زمینه میان ملل دنیا به امضا برسد، به هیچیک از این پیمان‌ها در شرایط جنگی نمی‌توان امید بست. هر یک از طرفین جنگ تلاش خواهد کرد تا برای غلبه بر طرف مقابل به فناوری ساخت این سلاح‌ها دست پیدا کند. اگر یکی از آن دو موفق شود که زودتر از دیگری بمب اتمی بسازد، آنگاه از آن استفاده می‌کند، چرا که پیروزی‌اش حتمی خواهد بود.

هر چند که محدود کردن فناوری تولید سلاح‌های هسته‌ای در قالب یک طرح جامع بین‌المللی برای کاهش تسلیحات سنگین و کشتار جمعی راه حل قاطع و نهایی نیست، ولی ما را به برخی از اهداف اولیه مان خواهد رساند. نخست این که هرگونه توافقی که میان بلوک شرق و غرب صورت می‌گیرد، گامی است اساسی برای جلوگیری از جنگ. دوم این که نابودی سلاح‌های هسته‌ای اگر طرفین با اعتماد متقابل آن را انجام دهند، بیم یک حمله ناگهانی را، مانند آنچه در پرل هاربر روی داد، تا حد زیادی مرتفع کرده و از جو عصبی حاکم بر جغرافیای سیاسی جهان به شدت خواهد کاست. بنابراین ما باید به عنوان گام نخست، از چنین پیمان‌ها و توافقاتی استقبال کنیم. می‌توان گفت که هیچیک از ما قلباً بی‌طرف نیستیم، ولی به عنوان یک انسان، باید به خاطر داشته باشیم که اگر هرگونه منازعه‌ای میان شرق و غرب دارای راه حلی باشد، که همه انسان‌ها را، اعم از کمونیست و ضدکمونیست، آسیایی و اروپایی و آمریکایی، یا سیاهپوست و سفیدپوست ارضا نماید، مطمئناً آن راه حل جنگ نخواهد بود. ما باید کاری کنیم که همه دنیا این اصل را بپذیرند و باور کنند.

حال بر ماست که انتخاب کنیم. به راستی آیا باید مرگ را برگزینیم، تنها برای این که نمی‌توانیم از منازعات مان چشم‌پوشیم؟ ما بایستی در جایگاه یک انسان به قضاوت برخیزیم:

تنها انسانیت را در نظر داشته باشیم و باقی چیزها را فراموش کنیم. اگر بتوانیم از عهده این کار بر آییم، آینده انسان، بهشتی خواهد بود لبریز از شادی و دانش و آگاهی، ولی اگر موفق نشویم، یک نابودی عظیم و جهانی را پیش روی خواهیم داشت.

راه حل:

ما در اینجا اعضای این کنگره دانشمندان همه کشورها و عموم مردم دنیا را دعوت می‌کنیم تا راه‌های زیر را مد نظر قرار دهند:

«با علم به این واقعیت که در آینده دور یا نزدیک قطعاً جنگی به وقوع خواهد پیوست و در آن از سلاح‌های هسته‌ای نیز استفاده خواهد شد و چنین جنگی، ادامه حیات بشریت را به شدت تهدید می‌کند، ما از

حکومت‌های سراسر دنیا می‌خواهیم که این حقیقت را درک کنند و به ملت‌ها نیز این آگاهی را بدهند، که هیچیک از اهداف آنها با درگیر شدن در یک جنگ جهانی دیگر محقق نخواهد گردید. ما از آنان می‌خواهیم که برای پایان دادن به منازعات و دعوای خود، به دنبال روش‌های مسالمت‌آمیز بوده و جنگ را - به عنوان یک راه



حل - به فراموشی سپارند.»
امضا: ماکس بورن (آلمان غربی)
پرسی دلبیو بریجمن (آمریکا)
آلبرت اینشتین (آمریکا)
لئوپلد اینفلد (لهستان)
فردریک ژولیو کوری (فرانسه)
هرمان مولر (آمریکا)
لینوس پاولینگ (آمریکا)
سیسیل پاول (انگلستان)
ژوزف رات بلات (انگلستان)
برتراند راسل (انگلستان)
■ هیدکی یوکاوا (ژاپن)

ترجمه مسعود حقیقت ثابت
روزنامه شرق - آذر ۸۴

BertrandRussell.mihanblog.com